

## ترامپ کودکی پرخاشگر است!

دادستان کل میشیگان که پیش از سفر رئیس‌جمهور آمریکا به این ایالت از او خواسته بود در بازدید عمومی‌ماسک بزند، در واکنش به اقدام ترامپ در زندن ماسک، او را کودکی پرخاشگر توصیف کرد که تابع قوانین نیست. به گزارش پایگاه خبری «هیل»، وی در برنامه‌ای زنده در شبکه آمریکایی «سِن‌ان» گفت: رئیس‌جمهور کودکی پرخاشگر است که از قوانین تبعیت نمی‌کند، و باید بگویم این اصلا شوخی نیست. وی افزود، او بدترین پیام ممکن را به دیگران منتقل می‌کند. فکر کنم

# ناسیونالیسم اروپا در عصر پسا کرونا

یادداشت اختصاصی دکتر سید نادر نوربخش، کارشناس احزاب و جریانات سیاسی در اروپا برای آفتاب یزد



«یکی از برندگان رشد ملی گرایي امروز در اروپا روسیه است، اصولاً این کشور از تضعیف اتحادیه اروپا استقبال میکند ، کرملین همچنین با کنتر احزاب راست افراطی اروپا روابط حسنه ای دارد ، تنها استثانات در این بین ناشی از واقعات ژئوپولیتیک است که نسبت به نزدیکی ایدئولوژیکی ارجحیت دارد. برای مثال لهستان دید مثبتی نسبت به همسایه شرقی خود ندارد و بر اساس تجربه تاریخی نسبت به آن نگرانی امنیتی دارد، در دیگر مورد میثواب به راست افراطی در او کراین اشاره کرد که برخلاف هم مسلمانان خود بر علیه مسکو فعالیت می‌کند یا این حال اکثریت احزاب راست افراطی نگاه مثبتی به روابط با یوتین دارند.

همچنین می‌توان گفت علیرغم همه بسترهای مناسبی که در طی سالهای اخیر برای رشد این جریان فراهم شده است و از جمله بحران اخیر همه گیری کرونا، با این حال عملکرد اشتباه احزاب جریان اصلی و چپ و راست سنتی بوده است که با کاهش اعتماد عمومی و فساد ، فضا را برای فرصت طلبی راست‌های افراطی فراهم کرده اند ، لذا بهترین اترناتیو مناسب برای مقابله با راست افراطی نه از دل احزاب سنتی محافظه کار و سوسیالیست بلکه از جریان‌های سیاسی دیگری است که ماهیت چالشگر دارند

کرد: نخست رونالد ریگان در سخنرانی مشهور خود در سال ۱۹۸۷ در برلین که خطاب به گورباچف میگوید این دیوار( اشاره به دیوار برلین) در خراب کنید، امری که برای سال‌ها به گفتگمانی مسلط در سیاست بین الملل مبدل شد و بسیاری با نگاهی خوشبینانه نسبت به عملکرد نهادهای بین المللی ساختارهایی همچون اتحادیه اروپا را الگویی برای دیگر کشورها برای حذف مرزها و نمونه‌عالی روند همگرایی میدانستند، حال به فاصله سی سال رییس‌جمهور امریکا صحبت از کشیدن دیوار (مکزیک) میکند ، امری که بازتاب دهنده روند ملی گرایي رو به رشد در جهان است.

**ضربه به جهانی سازی یعنی رشد پوپولیسم راستگرا**

حال بحران کرونا آن هم در شرایطی که همکاری‌های بین المللی تحت تاثیر رشد پوپولیسم راستگرا به حداقل خود رسیده بود ضربه مهمی بر پیکر جهانی شدن تلقی می‌شود، پیش تر جنگ تجاری میان چین و ایالات متحده و وضع تعرفه‌ها، خروج نهایی بریتانیا از اتحادیه اروپا، و رشد میزان آرای احزاب راست افراطی بقدر کافی دورنمایی همکاری‌های بین المللی را تیره کرده بودند، از طرفی هم نباید فراموش کرد جهانی شدن اگرچه برای بسیاری منفعت‌های فراوان به دنبال داشته اما در این بین همواره افرادی بوده اند که خود را بازندگان جهانی شدن میدانند و از ثبات این روند همچون ورود نیسروی کار آزران ، کاهش دستمزدها و یا برون سپاری کارخانه‌ها و اقول صنایع محلی متضرر شده بودند، با این وجود آن چه که امروز در جهان و به خصوص در اروپا شاهد آن هستیم رشد ملی گرایي است و فاشیسم آن با فاشیسم و از تحولات روی کار آمدن هیتلر امر دقیقی نیست و در این راستا باید به چند نکته توجه داشت: از جمله اینکه فاشیسم سنتی در بستری کاملاً متفاوت شکل گرفت، بطوریکه دموکراسی‌های لراز و شکننده همچون جمهوری وایمار توان تحمل و مقابله با افراط گرایي را نداشتند و از سویی هم بحران اقتصادی نقش کلیدی در این امر در آن برهه ایفا نمود ، این جریان در دهه ۱۹۳۰ضمن ضدیت کامل با دموکراسی ساختاری شبه نظامی‌داشتته و با رویکردی تهاجمی ادعاهای ارضی نسبت به همسایگان خود مطرح نموده و پیشوا در این نظام اراده ای مافوق قانون دارا بود. حال آن که در جریان ملی گرای پوپولیست امروزی اروپا ساختار دموکراسی را پذیرفته و درچارچوب آن فعالیت می‌کند، از سویی رشد این احزاب این بار لزوماً متاثر از مسائل اقتصادی نیست و در کشورهای همچون سوئیس و اتریش هم گسترش چشمگیری داشته اند و بر خلاف تصور بسیاری بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ عامل اصلی رشد این احزاب نبوده است. دیگر اینکه راست افراطی امروز اروپا بیشتر از آنکه تهاجمی باشد جنبه تدافعی داشته و این امر را به خصوص در زمینه فرهنگی برجسته می‌کند ، بطوریکه آنها ارزش‌های هویتی خود را قربانی هجوم امتهو مهاجران و پناجویان خارجی به کشور نشان داده و خود را در قامت مدافعان فرهنگ و هویت مسیحی اروپا ترسیم می‌کنند، دیگر تفاوت در این بین را میتوان کنار گذاشتن نژادپرستی سنتی دانست، راست افراطی امروزی اروپا برخلاف سلف فاشیست خود – حداقل در

می‌کند. «مایک پنس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا هم اوایل همین ماه به دلیل نبوشیدن ماسک در دانشگاه «کلینیک مایو» در مینه‌سوتا مورد انتقاد قرار گرفته بود. قبل از بازدید ترامپ، ناسل از وی خواسته بود ماسک بزند. وی گفته بود این امر به دستور فرماندار میشیگان الزامی است. ترامپ در پاسخ گفت: «منی خواستم به رسانه‌ها این لذت را بدهم که مرا با آن ببینند. هنگامی که در محوطه پشتهی بودیم زده بودم.»افارس

## سیاسی

شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۹ • شماره۵۴۱

### به خاطر قدسی اختلافات را کنار بگذاریم

جنبش مقاومت اسلامی «حماس'' تاکید کرد که روز جهانی قدس، تحقق عملی مرکزیت داشتن مساله فلسطین در آگاهی و وجدان جمعی امت اسلامی است. حازم قاسم، سخنگوی حماس در توئیتی به مناسبت روز جهانی قدس نوشت: روز قدس ایجاب می‌کند که تمامی اختلافات مذهبی و طائفه‌ای کنار گذاشته شود و گفتمان وحدت و گذشت در رویارویی با این طرح صهیونیستی را رجحیت داده شود. وی تصریح کرد: محور مقاومت باید گسترش یابد تا تمامی امت را دربرگیرد. افارس

## ۴ تیتربه جامانده از اسفند ۹۴ صرفاً جهت یادآوری!

ادامه از صفحه ۹

### نتایج ثانویه

کیهان و وطن امروز و جوان در تحلیل‌های خود روی چند نکته ی مهم دیگر نیز پافشاری می‌کردند و آن: «انقلابی ماندن مجلس»، «نگاه و نظر معیشتی – اقتصادی مجلس»، « مردمی‌بودن مجلس»، «استکبار سستیز بودن مجلس» و از همه مهم تر: «اولگرا باقی ماندن مجلس».

کیهان و وطن امروز و جوان در تحلیل‌های خود روی چند نکته ی مهم دیگر نیز پافشاری می‌کردند و آن: «انقلابی ماندن مجلس»، «نگاه و نظر معیشتی – اقتصادی مجلس»، « مردمی‌بودن مجلس»، «استکبار سستیز بودن مجلس» و از همه مهم تر: «اولگرا باقی ماندن مجلس».

اما از یک جایی به بعد ناگهان ورق برگشت و مجلسی که «انقلابی» بود و «همراه با دولت» و «اولگرا» و «مردمی» ناگهان به مجلسی «ضعیف»، « همسو با دولت»، «اصلاح طلب» و با فاصله از «در رأس همه امور بودن» از یک جایی به بعد که دیگر به یک عادت و رویه نزد اولگرایان تبدیل شده است.

حمله به دولت بر سر کارآمده با حمایت تام و تمام اولگرایان یعنی دولت محمود احمدی نژاد، ابتدا اولگرا دانستن و در نهایت اصلاح طلب دانستن حسن روحانی؛ اولگرا معرفی کردن مجلس دهم و در نهایت اصلاح طلب و همسو با دولت معرفی کردن مجلس دهم تنها گوشه‌هایی از «پشتک و واروگی» مسئله دیگر نیز وجود اتحادیه اروپا به عنوان یک نهاد فراملی است که بر اساس ارزش‌های لیبرال و همگرایی بنا شده است امری که اصولاً با دیدگاه ملی گرایانه راست افراطی در تضاد است. این جریان بر کسول را به از بین بردن حق حاکمیت ملی کشورهای عضو متهم کرده و از آن مهم تر اتحادیه را مقصر اصلی از بین رفتن مرزها و هجوم پناجویان قلمداد می‌کند که هویت ملی اروپا را به زعم آن‌ها مورد تهدید قرار داده است.

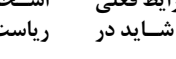
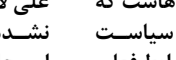
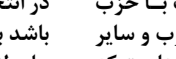
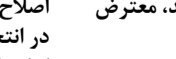
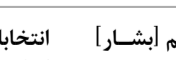
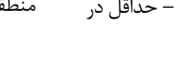
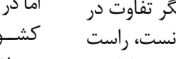
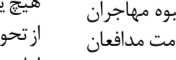
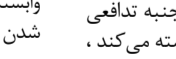
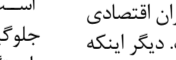
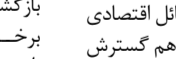
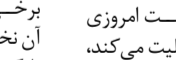
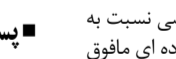
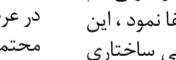
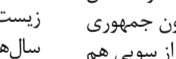
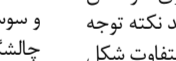
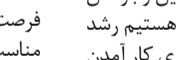
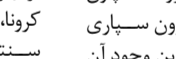
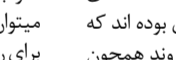
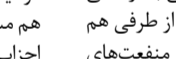
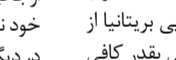
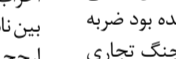
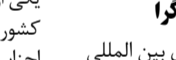
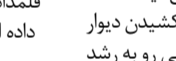
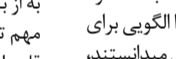
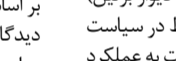
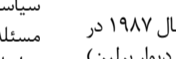
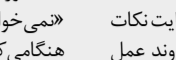
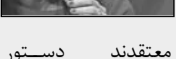
### روسیه پیروز رشد ملی گرایي!

یکی از برندگان رشد ملی گرایي امروز در اروپا روسیه است. اصولاً این کشور از تضعیف اتحادیه اروپا استقبال میکند، کرملین همچنین باکنتر احزاب راست افراطی اروپا روابط حسنه ای دارد ، تنها استثانات در این بین ناشی از واقعات ژئوپولیتیک است که نسبت به نزدیکی ایدئولوژیکی ارجحیت دارد. برای مثال لهستان دید مثبتی نسبت به همسایه شرقی خود ندارد و بر اساس تجربه تاریخی نسبت به آن نگرانی امنیتی دارد، در دیگر مورد میثواب به راست افراطی در او کراین اشاره کرد که برخلاف هم مسلمانان خود بر علیه مسکو فعالیت می‌کند یا این حال اکثریت احزاب راست افراطی نگاه مثبتی به روابط با یوتین دارند. همچنین میتوان گفت علیرغم همه بسترهای مناسبی که در طی سالهای اخیر برای رشد این جریان فراهم شده است و از جمله بحران اخیر همه‌گیری کرونا، با این حال عملکرد اشتباه احزاب جریان اصلی و چپ و راست سنتی بوده است که با کاهش اعتماد عمومی و فساد ، فضا را برای فرصت طلبی راست‌های افراطی فراهم کرده اند ، لذا بهترین اترناتیو مناسب برای مقابله با راست افراطی نه از دل احزاب سنتی محافظه‌کار و سوسیالیست بلکه از جریان‌های سیاسی دیگری است که ماهیت چالشگر دارند که از آن جمله می‌توان به سبزه‌ها و احزاب هوادار محیط زیست اشاره کرد، لذا دو گانه سوسیالیست‌ها و محافظه کاران در طی سال‌های بعد به تدریج جای خود را به سبزه‌ها در مقابل راست افراطی در عرصه سیاسی خواهند داد و این امر در کشورهای همچون آلمان محتمل تر است.

### پسا کرونا و چند نظریه

برخی معتقدند جهان پس از کرونا هرگز شبیه دوره پیش از آن نخواهد بود و مسیر تحولات باعث زوال روند جهانی شدن و بازگشت به عصر دولت‌های ملی خواهد شد. در مقابل نیز عده‌ای برخلاف آن عقیده دارند جهانی شدن روندی بازگشت‌ناپذیر است و تحولات اخیر تنها لزوم همکاری بیشتر میان کشورها برای جلوگیری از تکرار بحران‌های مشابه را یادآوری میکند و میزان وابستگی متقابل میان کشورهای جهان هر گونه توقف در روند جهانی شدن را عملاً غیر ممکن میسازد. اگرچه تارننده معتقد است نمیتوان هیچ یک‌از موارد فوق را به طور یکجانبه و به تنهایی پذیرفت و بسیاری از تحولات فناوری وابستگی‌های روزافزون عملاً بازگشت‌ناپذیر هستند اما در کل آنچه ما شاهد هستیم قدرت گرفتن مجدد نقش حاکمیت کشورهای مستقل در مقابل نهادهای بین المللی و همگرایی‌های منطقه ای است.

**انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰** **توانند نه به یک پیروزی اصلاح‌طلبانه بلکه به یک فتح نسبی نایل شوند؛ حالتی که در انتخابات ۹۲ هم شاهد آن بودیم. در این میان یکی از اِزازی که از مدت‌ها پیش همچنان بر این موضوع تأکید می‌کرد حزب کارگزاران سازندگی بود.**
**کارگزاران به قطعیت در انتخابات ۱۴۰۰ اگر نیروی اصلاح‌طلبی وجود نداشته باشد به سمت سیاست ائتلاف با اولگرایان میانه‌رو مانند علی لاریجانی خواهند رفت اما این احتمال هم هنوز منتفی نشده است که این حزب با دو نیروی شاخص خود یعنی اسحاق جهانگیری و محسن‌هاشمی وارد کارگزار انتخابات ریاست‌جمهوری شود.**
**انامه نیوز**



**آفتاب یزد:** طی سال‌های اخیر رشد موج ملی گرایي و راست افراطی در کشورهای مختلف بسیاری را بر آن داشته که شرایط کنونی جهان را با آغاز دهه ۱۹۳۰ مقایسه کنند ، دهه ای که به زوال دموکراسی و روی کار آمدن نظام‌های توتالیتر راستگرا انجامید، نکته مهم در این بین این است که آیا میتوان رشد کنونی جریان راست افراطی برپایه بیگانه هراسی را با به قدرت رسیدن نازی‌ها مقایسه کرد؟ در همین حال برخی تحلیل‌گران شیوع همه گیری جهانی کرونا را ضربه ای دیگر بر پیکر جهانی شدن می‌دانند که راه را برای بازگشت به عصر ناسیونالیسم و تقویت جایگاه کشورهای مستقل دربرابر نهادهای بین المللی تقویت می‌کند. شیوع کرونا از سویی هم یادآور انقلاب‌نژای اسیانیایی در دهه ۱۹۲۰ است در آن همه گیری در یک قرن پیش آن هم درست هنگامی که جهان با گسترش بیش از پیش خطوط ریلی ، کشتی‌های بخار و خطوط تلگراف به شکل کم سابقه‌ای در هم تنیده شده بود ، موج اول جهانی شدن را در هم شکست و باعث سرعت گرفتن رشد ملی گرایسی در دهه بعد از آن زد.

### بحران شیوع کرونا به نفع هواداران راست گرایان افراطی

اگر چه در حال حاضر قضاوت در مورد ساختار سیاست بین الملل در عصر پسا کرونا زود است اما به طور کلی بحران شیوع کرونا تا اینجا به نفع هواداران ملی گرایي و راست گرایان افراطی تمام شده است ، نخست اینکه اقدامات دولت‌ها در بستن مرزها و ایجاد موانع عبور و مرور از دین کاهش وابستگی‌های بین المللی همان چیزی است که راست افراطی با تکیه بر گفتمان بیگانه هراسی و اتکای به خود سال‌ها در پی ترویج آن بوده است. بافاصله پس از آغاز این بحران رهبران احزاب پوپولیست اروپایی غربی انگشت اتهام را به سوی ورود مهاجران خارجی نشانه گرفتند و ضمن انتقاد از عملکرد دولت‌ها سعی کردند از هر گونه ناراضیاتی عمومی به نفع بهره برداری کنند، اگر چه باید توجه کنیم این امر به شکل یکسان قابل تعمیم به همه کشورهای اروپایی نبوده است وشیوه مدیریت بحران جناح حاکم نیز در میزان محبوبیت راست افراطی تاثیر گذار بوده است. همچنین باید به ورود تدریجی گفتمان راست افراطی به ادبیات جریان اصلی نیز توجه داشت، بحث کنترل بیشتر روی مرزها که پیش از این در انحصار گفتمان راستگرایان افراطی بود اما بعد از بحران کرونا از سوی جناح‌های مختلف سیاسی نیز شنیده شد که امری بی سابقه محسوب می‌شود. در سال‌های پس از فروپاشی کمونیسم و پایان قرن بیستم بسیاری معتقد به برچیده شدن همیشگی مرزها بودند، امری که گسترش فناوری‌های نوین و رشد سریع روند جهانی شدن را تا آن حدودی باورپذیر کرده بود، با این حال در طی سال‌های اخیر و به موازات رشد جریان راست افراطی مرز بار دیگر به مفهومی محوری در جغرافیای سیاسی مبدل شده است.

### مهاجران خارجی متهم اصلی شیوع کرونا!

دومین مسئله رشد اخیر جعلی و شایعات آن هم در مدت زمانی کوتاه است و آن هم در شرایطی که راست افراطی نیز به نوبه خود از نشر اخبار جعلی و تئوری توطئه بهره زیادی می‌برد و سابقه زیادی در این امر دارد. شیوع کرونا باعث افزایش شدید بیگانه هراسی در فضای مجازی و انتشار روز افزون کلام ناشی از نفرت علیه اقلیت‌ها و مهاجران در اروپا شد. بازنامه‌ی اقلیت‌ها در رسانه‌ها که خود آمیخته‌ای از هراس و تنفر را ایجاد می‌کند باعث شده است تا مهاجر ستیزی در بستر شبکه‌های اجتماعی رشد زیادی داشته باشد. قرنظینه‌های سراسری همچنین فرصت کم نظیری را ایجاد کرد که شبکه‌های اجتماعی و پیام رسان بیش از پیش اهمیت پیدا کنند ، راست افراطی که پیش تر نیز از بستر اینترنت برای ترویج عقاید خود بهره زیادی برده بود در این فضا نیز سعی نمود به شکلی بیواسطه با توده‌ها ارتباط برقرار کند و با رویکردی پوپولیستی همه مشکلات را برگردن مهاجران خارجی بیناندازد. البته این جریان سیاسی خیلی پیش تر از آغاز همه‌گیری کرونا، مهاجران خارجی را متهم به شیوع بیماری در کشورهای خود میکردند برای مثال گرایي رهبر پوپولیست حزب عدالت و قانون لهستان در سال ۲۰۱۵ اظهار داشته بود که هیچ پناجویی از کشورهای خاورمیانه نباید وارد خاک لهستان شود چراکه آن‌ها به همراه خود انواع بیماری‌ها و میکروب‌ها را به خاک اروپا می‌آورند. در همین حال تئوری‌های توطئه در مورد منشا ویروس کرونا و اعلماده‌بودن شیوع آن بیش از همه مورد بهره برداری هواداران راست افراطی قرار گرفته است.

## شیوع کرونا و متهم شدن جهانی سازی!

سویمن نکته مربوط به تقابل ملی گرایي و جهانی شدن است. شیوع سریع کرونا در سطح جهان باعث شد عده‌ای جهانی شدن را مقصر این امر بدانند ، باید توجه داشت که سطح بالای وابستگی زنجیره تولید و آزادی عبور و مرور افراد و کالا نقش مهمی در سرعت گسترش و انتشار ویروس داشت ، این امر همچنین برای کشورهایی که در بخشی از چرخه تهیه مواد اولیه خود وابسته به چین بودند اثرات نامطلوبی داشت و بخاطر قطع یک حلقه از این زنجیره ، ناچار به تعطیلی موقت شدند. در همین حال این همه گیری نشان داد علیرغم وجود تمامی نهادهای بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای و غیره، کشورها همچنان عالی‌ترین مقام در تصمیم‌گیری برای مدیریت این بحران بودند. به طوری که هیچ نهاد فراملی و بین المللی قدرت و مشروعیت لازم را در ایجاد قرنظینه‌های سراسری، بستن مرزها، اعمال حاکمیت و امثالهم دارا نیست.

در تغییر نگرش کلی نسبت به روند جهانی شدن و مصادیق آن می‌توان به سخنرانی دو رییس‌جمهور امریکا در فاصله زمانی سه دهه نگاهي

### در حاشیه

**فشار تحریم‌ها بر ایران، روسیه و کوِبا حفظ شود**

باخبر شدیم نماینده آمریکا در سازمان ملل با تاکید بر لزوم حفظ فشار تحریم علیه ایران و کشورهایی که با سیاست‌های آمریکا مخالف هستند، گفت برای تمدید تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت تلاش می‌کنند. «کلی کرافت» نماینده ایالات متحده در سازمان ملل با تکرار اتهامات علیه اساس علیه جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های دیگر مانند سوریه، کوِبا و روسیه، هر لزوم حفظ تحریم‌ها بر آنها تاکید کرد.کرافت در عالم سیاست به در نشست اندیشکده‌ها‌دسون، اظهار داشت: «ما به ایران به دلیل حمایت از حزب‌الله معترض هستیم، ما

## به کجا چنین شتابان:

## این پرده شاخص کل

ادامه از صفحه اول:

نکته اول این که بالا و پایین رفتن دستوری بازاری بمانند بورس واقعیتی است که فلسفه وجودی این بازار راهبردی را زیر سؤال می‌برد. همچنین، رشد دستوری اگر قرار باشد افقی دستوری را نیز در پی داشته باشد علاوه بر اینکه به هر حال عده‌ای را متضرر و سالاخته و از کف رفتن اعتماد عمومی مردم به حاکمیت و دولت را در پی دارد، منجر به بی‌اعتباری بازار سرمایه بعنوان یکی از اصلی ترین پایگاه‌های رشد و بلوغ اقتصاد و تفکر اقتصادی اعضای یک جامعه نزد مردم خواهد شد.

نکته بعدی که باید مد نظر قرار داد این است که اگر چه خوشحالی سهامدار از سود سرشار خویش در کوتاه مدت از منظر فردی حتما منطقی خواهد بود، ولی چنانچه این سهامدار به اصلاح ثروتمند، نگران تاثیر رشد بی‌رویه شاخص بر قشر ضعیف جامعه نباشد متأسفانه به نوعی از فردمحوری بی‌شمار از حد حرصی گونه دچار گردیده که هیچ پیشانی نیز وی را راضی نگاه نخواهد داشت.

در نهایت اینکه هرچقدر سهامداری به دید بلندمدت و بنیادی در بازار مالی اتفاقی چرخسته هم برای سهامدار و هم برای اقتصاد یک کشور بوده و نشانه با اهمیتی از بلوغ فکری یک اجتماع می‌باشد به همان اندازه نیز سهامداری با دید کوتاه مدت قماری است که در هر صورت بالاخره عده‌ای را متضرر و سالاخته و ناراضی خواهد نمود. در کنار این واقعیت، خریدهای گروهی و سازمان یافته که بعضاً سود وحشتناکی را در کوتاه مدت نصیب بازیگردان و دیگر سهامداران ریز و درشت می‌کند نمونه کوچکی از وجود سفته بازی و تولید ثروت مشکوک حداقل در برخی از نمداهای بوده که شوربخانه شاید هیچ امکانی نیز برای ردیابی آنها وجود نداشته باشد. پس همانقدر که سهامداری بنیادهمحور و بلندمدت خدمتی بی‌نظیر به جامعه، اقتصاد و سهامداران می‌باشد، سهامداری کوتاه مدت، هیجانی، نوسانگیرانه و تیمی نیز آفتی است که دیر یا زود آثار منفی آن دامان کل جامعه را خواهد گرفت.

### کودکان معتاد

## بازندگان عمر و زندگی

ادامه از صفحه اول:

کثرت تولد که افزایش کودکان معتاد را رقم می‌زند باعث فراهم شدن نیروی کار ارزان قیمت در خدمت قاچاق است. این عمله‌های اعتیاد با کمترین قیمت کارهای خطرناکی انجام می‌دهند و اینگونه روز به روز پدیده منحوس قاچاق گسترش می‌یابد. مصرف مواد مخدر مقابل دیدگاه فرزندان منجر به تحریک حس کنجکاوی آنان شده و زمینه رواج اعتیاد کودکان به مواد مخدر را فراهم می‌سازد، چون تماشای مصرف، حسن تجربه مصرف را تقویت می‌کند و کودکان در غیاب والدین مباردت به این کار می‌کنند و اعتیاد خویش را تمرین کرده تا به معتادان حرفه‌ای جامعه تبدیل شوند.

در محاسبه میزان خسارت ناشی از سوء مصرف مواد مخدر هر قدر سن اعتیاد کاهش یابد جامعه آسیب جدی را از این بلاک خنمان سوز دریافت می‌کند. بدون شک کسی که در کودکی به اعتیاد کشیده می‌شود تمامی عمرش را فنا نموده و نه تنها نمی‌تواند عنصری مفید به حال خود و خانواده و جامعه باشد بلکه به عنوان فردی مضر و خطرناک تهدیدی برای همه شهروندان محسوب می‌شود.کودکان معتاد بازندگان عمر و زندگی هستند که هیچ خیر و خوشی را در همه عمرشان تجربه نمی‌کنند و جز درد و رنج و غم و غصه چیز دیگر برگیرانگار آنان نیست. کودکان معتاد انگل جامعه و فردی مصرف‌کننده اند، آن‌ها نه تنها مولد نیستند بلکه پدیده مناسبی برای سرایت انواع بیماری‌ها در جامعه محسوب می‌شوند، کودکان معتاد هیچگونه بازده مثبتی برای جامعه ندارند، آن‌ها عوامل مفید و موثر برای رواج قاچاق مواد مخدر و استعدادهای آماده برای انجام هر گونه رفتار نهنجار شکنانه و عاملی برای ارتکاب انواع جرایم اجتماعی به شمار می‌آیند. باید اقداماتی نظراتی صورت بگیرد تا بتوان تولد این کودکان را به حداقل رساند یعنی ترک نمایند و با اینکه نوزاد معتاد در بدو تولد با نظرات‌های پزشکی اقدام به ترک اعتیاد کند که چرا که کودک معتاد هر چه بزرگ‌تر شود اقدام به ترک برای او سخت‌تر خواهد شد.